

The Relational Model of Place-Crime Management as a Methodological Approach in Urban Crimes¹

Mitra Kalantari², Esmaeil Shieh³, Mojtaba Rafieian⁴

Received: 2020/08/23 Accepted: 2020/12/13

Abstract

Background and objectives: The category of "place management" and the "place" factor are one of the recent advances in situation-based crime prevention approaches. The purpose of this study was to integrate these two concepts in the form of presenting two qualitative models mixed with real evidence of urban crimes.

Methodology: The research approach is qualitative, which has two strategies of simulation and logical reasoning based on secondary analysis of quantitative data of real crimes and extraction of components related to "place in crime". The statistical population of the study also includes 392 cases of the final location of urban crimes that were extracted with the help of quantitative content analysis technique on the "MagIran" site in the period 2011 to 2019 within the police and geographical area of Narmak, Naziabad and Punak neighborhoods; and the number of selected samples was equal to ten percent of the total statistical population.

Findings: The results of the research showed that the integrated concept of "place-crime" and also a "relational model of place" can be used for the "composite model of place management" in crime. The ontology of the "place model" of the study has been associated with the structure of open, explanatory, and relational components. The epistemology of "place model" and "place management model" also included eight elements of form-physical attributes, activity, resources, proximity, pollution, non-supervisory, non-participation and non-partnership.

Results: The study presented the two theoretical models of the relationship between crime place and place management in their general form as a theoretical-methodical order and the possibility of operational use of these two models in applied criminological and police research was provided.

Keywords: Crime, Place, Crime place, Relational model of place, Place management.

1 This article is adapted from the PhD dissertation of the first author entitled "Explaining the effects of place management on the security of urban public spaces in the metropolis of Tehran" under the supervision of the second author and the advice of the third author at the Islamic Azad University, South Tehran Branch.

2 Department of Urban Planning, Faculty of Engineering, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

3 Professor, Department of Urban Planning, West Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding Author). Email: es_shieh@iust.ac.ir

4 Associate Professor, Department of Urban Planning, Tarbiat Modares University, Faculty of Arts, Tehran, Iran.

Copyright © 2020 Journal of Research Police Science. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-noncommercial 4.0 International License which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages provided the original work is properly cited.

فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی، سال بیست و دوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۹

صص ۶۷-۲۵

الگوی رابطه‌ای مدیریت مکان - جرم به عنوان رهیافتی روش‌شناختی در جرایم

شهری^۱

میترا کلانتری^۲، اسماعیل شیعه^۳، مجتبی رفیعیان^۴

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۶/۰۲ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۹/۲۳

چکیده

زمینه و هدف: مقوله «مدیریت مکان» و عامل «مکان» یکی از پیشرفت‌های اخیر در رویکردهای پیشگیری موقعیت محور از جرم می‌باشند. هدف از مطالعه، یکپارچه‌سازی این دو مفهوم در قالب ارائه دو مدل کیفی آمیخته با شواهد واقعی جرایم شهری بوده است.

روش: رویکرد تحقیق کیفی، برخوردار از دو راهبرد شبیه‌سازی و استدلال منطقی و مبتنی بر تحلیل‌های ثانویه از داده‌های کمی جرایم واقعی و استخراج مؤلفه‌های ناظر بر «مکان در جرم» است. جامعه آماری تحقیق نیز شامل ۳۹۲ مورد مکان نهایی جرایم شهری بوده که به کمک تکنیک تحلیل محتوای کمی در سایت «مگ ایران» در بازه زمانی ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۸ خورشیدی در میان محدوده کلانتری و جغرافیایی سه محله نارمک، نازی آباد و پونک؛ استخراج گردیده و تعداد نمونه‌های منتخب نیز معادل سهم ده درصدی از کل جامعه آماری بوده است.

یافته‌ها: برون‌دادهای تحقیق نشان داد می‌توان از مفهوم یکپارچه «مکان - جرم» و نیز یک «مدل رابطه‌ای مکان» برای «مدل مرکب مدیریت مکان» در جرم استفاده نمود. هستی‌شناسی «مدل مکان» مطالعه، همراه با ساختار مؤلفه‌های باز، تبیینی و ماهیتی رابطه‌ای بوده است. معرفت‌شناسی «مدل مکان» و «مدل مدیریت مکان» نیز شامل هشت عنصر فرم-کالبد، فعالیت، منابع، مجاورت، آلودگی، بی نظارتی، بی مشارکتی و بی شراکتی بوده است.

نتایج: مطالعه؛ دو مدل نظری رابطه‌مندی از مکان جرم و مدیریت مکان در شکل عام خود را به نظامی نظری-روشی درآورد و امکان استفاده عملیاتی از این دو مدل در تحقیقات کاربردی جرم‌شناسی و پلیسی فراهم گردید. **واژگان کلیدی:** جرم، مکان، مکان_جرم، مدل رابطه‌ای مکان، مدیریت مکان.

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان «تبیین اثرات مدیریت مکان بر امنیت فضاهای عمومی شهری در کلان شهر تهران» به راهنمایی نگارنده دوم و مشاوره نگارنده سوم در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب است.

۲. گروه شهرسازی، دانشکده فنی مهندسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۳. استاد گروه شهرسازی، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

ایمیل نویسنده مسئول: (es_shieh@iust.ac.ir)

۴. دانشیار گروه شهرسازی، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده هنر، تهران، ایران. Rafiei_m@modares.ac.ir

مقدمه

شهرهای امروزی به عنوان پیچیده‌ترین شکل ممکن سکونتگاه‌های زیستی در دنیایی با تغییراتی سریع استقرار یافته‌اند. در دنیای امروز، شهرها به یک مقوله چند بُعدی عینی - ذهنی، پیچیده و سرشار از تبلورهای فضایی نوآورانه همانند «فضاهای شهری نوین»^۱ بدل شده‌اند (لی تووری و هاویک^۲، ۲۰۰۹: ۲۰۷). از این دریچه، «فضا»^۳ و «مکان»^۴ به یکی از اصلی‌ترین جریان‌های حیات بخش روح و جسم و کالبد شهرها بدل شده و این عناصر مرکب، علاوه بر امکان ارائه چشم‌اندازهایی نوین و جذاب بخش بصری به سیما و منظر عینی - ذهنی شهری، همچنان درگیر با چالش‌هایی بر اساس آسیب‌پذیری پیشینی و تاریخی شهرها هستند. به ویژه آن که به دنبال مُدرن شدن شهرها و پیدایش «جامعه ریسکی»^۵ (باتومز و ویلز^۶، ۱۹۹۲: ۶؛ هایپکینز بورک^۷، ۲۰۰۹: ۳۱۲-۳۱۴) رفع این خطرات و آسیب‌ها به هیچ عنوان نه تنها به سادگی برطرف شدنی نیستند؛ بلکه اشکال جدیدی از آن خطرات نیز در حال تولد است. به طور نمونه، چالش امنیت و ناامنی عمومی در سطح شهرها، همچنان یکی از موضوعات اصلی در ادبیات عمومی و تخصصی فضاها و مکان‌های شهری می‌باشد (کاشانی جو، ۱۳۸۹: ۹۵؛ کارتر و هیل^۸، ۱۹۷۹؛ زوکین^۹، ۱۹۹۵: ۲۷، ۳۸، ۲۷۶؛ گراهام و کلارک^{۱۰}، ۱۹۹۶: ۱۴۵؛ گارلند^{۱۱}، ۲۰۰۱: ۱؛ جانستون و شرینگ^{۱۲}، ۲۰۰۳: ۱۰، ۱۷، ۲۳)؛ بنابراین، شهرها در این مسیر دو سویه، ملزم به پیشرو بودن در تداوم روند خلاقیت اول و مبارزه با جریان‌های چالش

1 New Urban Spaces

2 lehtovuori & Havik

3 Space

4 Place

5 Risk Society

6 Bottoms & Wiles

7 Hopkins Burke

8 Carter & Hill-

9 Zukin

10 Graham & Clarke

11 Garland

12 Johnston & Shearing

برانگیز دوم به ویژه از منظر «امنیت شهری» و پیشگیری از جرم در فضاها و مکان‌های امن شهری هستند. در این راستا، به موازات تغییر در روش‌ها و رویکردهای اجرایی پلیس، چالش امنیت همراه با تحولاتی در نگاه به تعاریف مفهومی خود از جمله در «ذهنیت امنیت»^۱ و نیز نوع «حکمرانی امنیت شهری» روبرو بوده و نقش عمده و تمام‌قد دولت و پلیس، جای خود را به حضور متکثر نیروهای سازنده امنیت و «حکمرانی شبکه‌ای» داده است. (جانستون و شرینگ، ۲۰۰۳: ۱۰، ۱۷، ۲۳، ۳۱-۳۲). در ادبیات تخصصی دانش جرم‌شناسی، پیدایش جرم به معیارهای مختلفی نیازمند است. «گات فردسون و هیرشی»^۲ در آراء نظری عام خود از تبیین جرم معتقد هستند که رخداد محدود و مقید شده جرم، نیازمند شرایط ویژه و متفاوتی همانند فعالیت، فرصت، قربانی، ابزار و... است (موریسون^۳، ۱۹۹۵: ۲۱). «مکان» نیز یکی از این عامل‌های لازم در فرصت‌های لازم برای ارتکاب جرم است. مکان، علاوه بر آراء عام جرم‌شناسی محیطی و نظریات رایجی همانند «تئوری فعالیت روزمره عادی»^۴ (کوهن و فلسون^۵، ۱۹۷۹) و «فضاهای قابل دفاع»^۶ (نیومن^۷، ۱۹۷۳)، اخیراً مورد توجه خاص اندیشمندان جرم‌شناسان محیطی نیز قرار گرفته است. رشد تئوری‌های ناظر بر فرصت‌های جرم، تکنیک‌های «پیشگیری وضعی یا موقعیت محور جرم»^۸ و فنون ناظر بر کنترل و ارتقاء امنیت مکان‌ها از جمله تکنیک «مدیریت مکان» به عنوان بخشی از همین رویکردهای نوین بستر محور، محیط محور و فرصت محور پیشگیری از جرم در دو دهه اخیر میلادی در کشورهای پیشرو می‌باشد (کلارک^۹، ۲۰۰۵: ۳۹؛ گروف^{۱۰}، ۲۰۰۸: ۱۴۱؛

1 Mentality of Security

2 Gottfredson & Hirschi

3 Morrison

4 Routine Activity Theory

5 Cohen & Felson

6 Defensible Space

7 Newman

8 Situational Crime Prevention

9 Clarke

10 Groff

بنسون، مادسن، اک^۱، ۲۰۰۹: ۱۸۳؛ بالوک، کلارک، تیلی^۲، ۲۰۱۰: ۱؛ ورتلی و تیلی^۳، ۲۰۱۴: ۵۱۷۲). بر این مبنا، نه تنها «مکان»، بلکه «مدیریت مکان» نیز در زیرشاخه‌های عمومی جرم‌شناسی رشد محسوسی داشته و هم اکنون با شکل دانشی جدید و زیرشاخه جوان دانش «جرم‌شناسی مکان»^۴ از دانش مادر «جرم‌شناسی محیطی»^۵ روبرو هستیم. در ادبیات تخصصی جرم‌شناسی محیطی و مکانی، نظریه‌های مکان محوری همانند نظریه‌های متمرکز بر «مکان معین»^۶ و «نظریه‌های خیابان»^۷، روشن کننده دلیل برای جرم خیزی در یک «موقعیت مشخص»^۸ هستند (مور و مور^۹، ۲۰۱۲: ۲۳۴-۲۳۵). این امر در ریشه‌ای‌ترین سطح ممکن از تحلیل جرایم روی داده و سودمندی مشخصی برای دستگاه‌های انتظامی همانند پلیس دارد (مور و مور، ۲۰۱۲: ۲۳۴-۲۳۵). این مجموعه تحولات در ایده‌های جدید پیشگیری از وقوع جرم و کنترل فرصت‌های جرم، منجر به تغییرات نگرشی و اجرایی در نقش عاملیت پلیس نیز گردیده و پیشگیری‌های وضعی؛ دیگر، تنها به عاملیت پلیس محدود نشده، بلکه برنامه‌های کمکی برای کارمندان و کارکنان حوزه‌های کسب و کار در جهت مدیریت مکان نیز از پتانسیل بالایی در جهت کاهش جرایم برخوردار هستند (ویزبرد و همکاران^{۱۰}، ۲۰۱۲: ۱۸۸). بر این مبنا، سطوحی از «شراکت»^{۱۱} در مجموعه نیروهای بیرون از ساختار پلیس مورد تأکید قرار گرفته است. همچنین، علی‌رغم وجود مصادیقی مبنی بر توفیق بیشتر دستگاه پلیس از رویکردهای «مبتنی بر مکان»^{۱۲}، به نسبت «تمرکز بر مهاجمان»^{۱۳}، شواهد مشترک

1 Benson, Madensen, Eck

2 Bullock, Clarke, Tilley

3 Wortley & Tilley

4 Criminology of Place

5 Environmental Criminology

6 Place Theory

7 Street Theory

8 Specific Location

9 More & More

10 Weisburd et al

11 Partnership

12 Place-Centered

13 Offender-Centered

کاربست تکنیک‌های مکان محور همانند مدیریت مکان؛ علاوه بر نشانگری از ارزشمندی این ایده، مؤکد نیازمندی به ترکیب داده‌های نظری و نیز تجارب عملی در این حوزه با یکدیگر است (تیلور^۱، ۱۹۹۷: ۱؛ اک^۲، ۲۰۱۵: ۱۳۰، ۱۳۴). با این حال و با وجود این پیشرفت‌ها؛ تعاریف، انگاره‌های نظری و نیز مدل‌های عملیاتی از «مکان» و «مدیریت مکان» در جرم در این زمینه بسیار محدود می‌باشند (مادسنس^۳، ۲۰۰۷: ۳۴). این سطح از مدل‌سازی‌های نظری پیشرفته، می‌تواند در پیوند با مجموعه دانش انتظامی و در امتداد مدل‌های نظری پلیسی همانند «مدل سارا»^۴ و مدل «I 5»^۵ مورد خوانش و قرائت قرار گیرند. مدل‌های نظری که نیازمند الزامات خاص خود هستند. از جمله آن که این مدل‌ها می‌بایستی همسو با واقعیت از قابلیت تبیین‌کنندگی در رخداد، پیش‌بینی و پیشگیری نیز برخوردار باشند. به علاوه، مفهوم «مدیریت مکان» نیز خود مقوله‌ای چندبُعدی و وابسته به عناصری همانند جرم، پیشگیری از جرم، مکان و مدیریت است و تنها با شناخت این بسترهای چندگانه دخیل در آن است که می‌توان به ارائه مدل‌هایی مطلوب از مکان و مدیریت مکان در جرایم دست یافت؛ بنابراین قبل از اعمال هرگونه کنترل و مدیریت بر مکان لازم است تا ویژگی‌ها و ماهیت عام و خاص هر یک از مکان‌های جرم به ویژه مکان‌های پرتکرار جرم شناسایی گردند. بنا بر تدوین نظری مطالعه؛ به جای ردیابی ده‌ها و یا صدها مورد از مکان‌های جرم، ارائه یک الگوبندی نظری مجموعه‌ای از ویژگی‌های مشترک مکان‌های جرم در قالب یک مدل مستدل و منطقی یعنی مدلی از «مکان در جرم» در دستور کار این مقاله قرار گرفته و می‌تواند جایگزینی برای به رجوع میدانی به شکل مورد به مورد باشد. بر این مبنا، این مطالعه به طور مشخص، در جستجوی امکان ارائه یک مدل عام فراگیر از «مکان» و «مدیریت

1 Taylor

2 Eck

3 Madensen

4 SARA Model

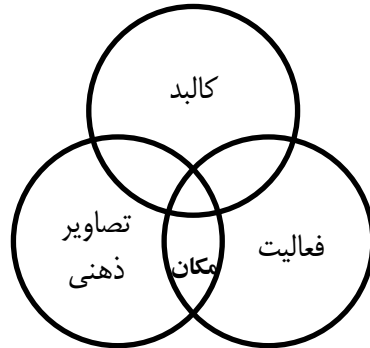
5 Intelligence, Intervention, Implementation, Involvement, Impact

مکان» با جهت‌گیری بر «جرایم»، همسو با ادبیات جهش یافته در حوزه «جرم‌شناسی مکان» و «جرم‌شناسی محیطی» می‌باشد. بر مبنای گزاره‌های پیشین در این بخش، می‌توان سؤالاتی را مطرح نمود و سپس بر این مبنای گام‌های نخستین مطالعه را پایه‌ریزی نمود. مطابق با ادبیات نظری جرم‌شناسی محیطی، مکان؛ رابطه عمیق و تنگاتنگی با مفهوم پیشگیری از جرم دارد. مدل‌سازی‌های نظری از پدیده‌های واقعی، علاوه بر توجه به جایگاه پدیده مورد بررسی، تمایل به ساده‌سازی و نیز کشف روابط بین ساختار پدیده نیز دارند. ارائه مدل و الگو از «مکان» در حوزه‌های مختلف دانشی همانند دانش طراحی شهری و یا زیرشاخه‌های دانشی دیگر در فضاهای بین رشته‌ای همانند روانشناسی مکان و... محبوب می‌باشد. مدل‌هایی همانند «مدل مکان کانتر»^۱، «مدل حس مکان پانتر»^۲ و «مدل مکان پایدار گلکار»^۳ (شکل‌های (۱) الی (۳)) از جمله این مدل‌های شناخته‌شده در عرصه بین‌المللی و داخلی می‌باشند. در این راستا، شکل‌گیری مدل‌های نظری و عملیاتی از مفهوم «مدیریت مکان» متمرکز بر مکان‌های خاص و نقاط داغ جرم نیز مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته است. عمق بخشی به این موضع در قالب رهیافت‌های نوینی همانند «جرم‌شناسی مکان» نیز، عملاً می‌تواند ضمن اعتبار بخشی به این ایده، به تقویت این رویکرد و رهیافت‌های مادری همانند «جرم‌شناسی محیطی» بسیار کمک‌رسان باشد.

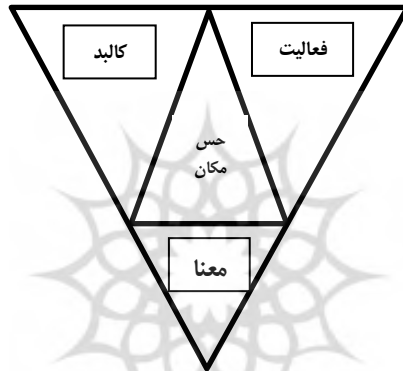
1 Canter Model

2 Punter Model

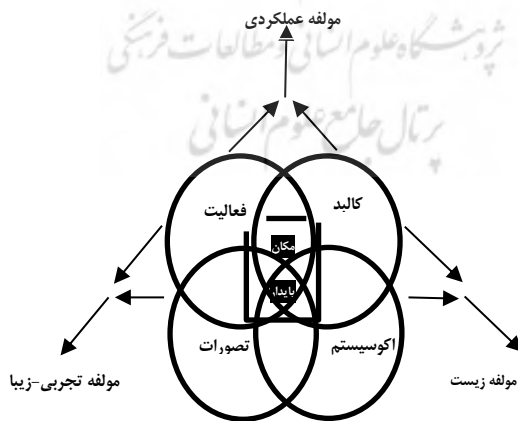
3 Golkar Model



شکل ۱- مدل سه وجهی مکان کانتر (منبع: گلکار، ۱۳۹۰: ۱۲۵)



شکل ۲- مدل سه وجهی حس مکان بانتر (منبع: گلکار، ۱۳۹۰: ۱۲۵)



شکل ۳- مدل چهار وجهی مکان پایدار گلکار (منبع: گلکار، ۱۳۹۰: ۱۲۷)

سؤال‌های پژوهش

چگونه می‌توان به معرفی یک مدل کیفی مرکب و مطلوب از مکان و مدیریت آن دست یافت که خود با مبانی نظری جرم، مکان و پیشگیری وضعی از جرم نیز سازگاری داشته باشد. سؤالات مکمل دیگر نیز شامل لزوم شناسایی مؤلفه‌ها و روابط بین آن‌ها در مدل و تعمق در این زمینه در جهت افزایش مطلوبیت نظری و کاربردی مدل است.

مبانی نظری پژوهش

هم اکنون، بنا بر پیشرفت‌های نظری اخیر با تبدیل «عامل مکان» در آراء عام جرم شناسی به «مفهوم مکان» و «شبکه مفهومی - عینی مکان» روبرو هستیم. دو مقوله نوین «مکان» و «مدیریت مکان» را حداقل از سه سطح و منظر «نظریه‌های جرم شناختی»، «نظریه‌های پیشگیری از جرم» و «نظریه‌های عملیات پلیسی» می‌توان مورد بررسی قرار داد. علاوه بر مطالعات نظری آغازین در خصوص بسط ماهیت مکان و کشف غیر تصادفی بودن توزیع جرایم و متمرکز بودن الگوی توزیعی آن حول مکان‌هایی داغ خاص، متمرکز و مکان‌های خوشه‌ای^۱ (ویزبرد و تلپ^۲، ۲۰۱۴: ۲۸۲۷؛ بوبا سانتوز و سانتوز^۳، ۲۰۱۴: ۵۱۵۹)؛ از دیگر مطالعات پیشگام در این زمینه، مطالعه «جان اک»^۴ (اک، ۱۹۹۴)، در توسعه مفهوم مکان، مفهوم «مثلث جرم» و نیز مفهوم «مدیر مکان»، شناخت ویژگی‌های مکان^۵، تأسیسات در مکان^۶ و خوشه‌ها در مکان^۷ است (اک و ویزبرد^۸، ۱۹۹۵: ۸).

- 1 Clustered Places
- 2 Weisburd & Telep
- 3 Boba Santos & Santos
- 4 John Eck
- 5 Place Features
- 6 Facilities Types
- 7 clustering of place
- 8 Eck and Weisburd

در این زمینه، مفهوم مکمل دیگری از «مکان» و «مدیر مکان» یعنی مفهوم و رویکرد «مدیریت مکان»^۱ در بین ادبیات و متون جرم‌شناسی قبل از دهه ۲۰۰۰ میلادی جای پای خود را در این حوزه به شکلی نظری باز می‌کند (مانت^۲، ۱۹۹۸). تولد مفهوم «تأسیسات ریسکی» نیز در این زمینه قابل توجه است. از دید «جان اک»، «تأسیسات خطر آفرین» شامل بخشی کوچک از یک دسته و گروه از دارایی‌ها و مکان‌های هم شکل می‌باشند که جرایم، غالباً در سطحی فوق‌العاده در آن رخ می‌دهند (اک و همکاران، ۲۰۰۷: ۲۲۶). اساساً بایستی در نظر داشت که تولد مفهوم «جرم‌شناسی مکان»^۳ در امتداد تمرکز خاص جرم‌شناسی بر واحدهای کوچک^۴ همانند آدرس‌های جرم و یا تقاطع‌ها و موارد مشابه شکل گرفته است (ویزبرد، گروف و یانگ^۵، ۲۰۱۲: ۳۹؛ ویلکوکس و همکاران^۶، ۲۰۱۸: ۱۶۴-۱۶۷). در «جرم‌شناسی مکان»، «ویژگی‌های فیزیکی مکان‌ها»^۷ نیز در کنار خود محله یا محلات، به ویژه در غیاب ابزارهای نظارتی و حراستی، خود مسبب جرم تلقی می‌گردند (کیکوچی^۸، ۲۰۱۰: ۱۰). به علاوه، این شبکه مفهومی از مکان، دارای سطوح قابل مشاهده نیز بوده و همچنین «مکان جرم»، تنها یک سایت و یک فضای «تک بُعدی» نیست، بلکه مکان جرم، خود برخوردار از «مکان‌های پشتیبان» یا «مکان‌های مرکب» می‌باشد. «مکان‌های یکپارچه یا سرتاسری»^۹ مثل مکان‌های بزرگ همانند محلات، «مکان‌های مجاور»^{۱۰} همانند «گوشه‌ها و بخش‌بندی‌های خیابانی»^{۱۱} و نیز «مکان‌های دارای حق و حقوق انحصاری»^{۱۲} نمونه‌ای از

1 Place Management

2 Mant

3 Criminology of Place

4 Micro level

5 Weisburd, Groff, Yang

6 Wilcox et al

7 Physical Features

8 Kikuchi

9 Pooled Places

10 Proximal Places

11 Street Segments

12 Proprietary Places

این تقسیم‌بندی‌ها می‌باشند (اک و گوئرت^۱، ۲۰۱۲: ۱۶۶-۱۷۰). در دومین سطح از نظریه‌های یاد شده؛ شاهد شکل‌گیری خاستگاه تولد اصلی مفهوم «مدیریت مکان» و ارتباط آن با مفهوم مکان در نظریه‌ها و رویکردهای پیشگیری به ویژه «پیشگیری وضعی از جرم» هستیم (کورنیش و کلارک^۲، ۲۰۰۳: ۸۹-۹۰). از نظر «کلارک»، «پیشگیری موقعیت محور» فراتر و دامنه‌دارتر از «پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی»^۳ بوده؛ چرا که تمام محدوده محیط و اشیاء درگیر با جرم را همراه خود کرده و از این رو تمامی «سیستم حقوقی و مدیریتی» همانند «راه‌حل‌های طراحی» در آن واجد اهمیت هستند (صالحی، ۱۳۸۷: ۱۵۰). در واقع، فنون و روش‌های ناظر بر «پیشگیری وضعی یا موقعیت محور»^۴ با تأکید بر همین «مدیریت محیط» و فرصت‌های مجرمانه به نسبت سایر فرصت‌ها پدید آمده‌اند (مقیمی، ۱۳۹۵: ۱۵۹؛ بنسون، مادسنس، اک^۵، ۲۰۰۹: ۱۸۳). از حیث ماهیت، «مدیریت مکان در جرم» ریشه در ابزارهای «نظارت»^۶ بر فضا دارد که به عنوان ابزاری برای محکم نمودن و تشدید بخشی و یا نظارت به عنوان پیامدی برای فضاهای شهری امن تعریف شده است (لی و هربرن^۷، ۲۰۰۳: ۳۱، ۳۳، ۳۶؛ ولش و فارینگتون^۸، ۲۰۰۹: ۹). به طور مشخص، تولد مفهوم و تکنیک پیشگیری «مدیریت مکان» نیز از همین محل در ادبیات تخصصی جرم‌شناسی شکل گرفته اما با این حال تنها از ماهیت پیشگیری برخوردار نیست و با حوزه‌های «پیشگیری شراکت محور» نیز تعامل برقرار نموده است. بخش دیگری از الگوهای مشابه پیشگیری نیز در همین زمینه در قالب نوین «پیشگیری مالک مکان»^۹ تبلور یافته است (اک و گوئرت^۱، ۲۰۱۲: ۱۶۶-۱۷۰). بر این مبناء، «مدیران مکان» اشخاصی هستند که یا «مالک مکان» بوده و یا توسط

1 Eck & Guerette

2 Cornish & Clarke

3 CPTED

4 Situational Crime Prevention

5 Benson, Madnsen, Eck

6 Surveillance

7 Lee & Herborn

8 Welsh & Farrington

9 Own the Place Prevention

آنان و یا به واسطه شغل خود، کارکرد ثانویه «نظارت بر مکان» را بر عهده گرفته و طیف افرادی همانند منشی فروشگاه، مسئول پروازهای هوایی، معلمان یک مدرسه، سرایداران، رانندگان اتوبوس، مسئولان و ناظران محوطه یا پارکینگ و یا هدایتگران قطار را شامل می‌شوند (اسکات و همکاران^۱، ۲۰۰۸: ۲۳۵-۲۳۶؛ ولش و فارینگتون، ۲۰۰۹: ۹). سومین سطح از نظریه‌های مکان محور به نظریه‌های عملیات پلیسی باز می‌گردد، چرا که مفهوم «مکان» و رویکرد یا تکنیک «مدیریت مکان» بی‌ارتباط با «عملیات پلیسی»^۲ نیست. همچنین مابین رویکردهای «پیشگیری موقعیت محور» با «رویکردهای نوین پلیسی» رابطه و مشابهت‌هایی وجود دارد. در این زمینه، به دنبال ظاهر شدن و حضور اثرگذاری ویژگی‌هایی از مکان همانند تمرکزپذیری جرم در مکان‌هایی خاص؛ عملیات پلیسی نیز متمایل به تمرکز در نظارت بر طیف نسبتاً محدودی از مکان‌ها در عملیات پلیسی مکان محور^۳ (ویزیرد و تلپ، ۲۰۱۰: ۱۴) و فرآیند پیشگیری مکان محور^۴ (اک و گوثرته، ۲۰۱۲: ۱۶۷-۱۶۸) شده است. بر این مبنای مفهوم و ابعاد «مکان» جای پای خود را بین ابعاد نوین پلیسی نیز باز کرده و به دنبال انواع روش‌های پلیسی مکان محور، ابعاد نوین پلیسی^۵ همانند «پلیس بخش سوم»^۶ و یا «پلیس اجتماعی محور»^۷ به شکل «شراکت پلیسی»^۸ و با حضور عناصر مشارکت و شراکت نیروهای غیر از پلیس مثل اعضاء یک اجتماع و سازمان‌های مدنی شروع به تولد نموده‌اند (برگر و مازروله^۹، ۱۹۹۸؛ مازروله و رانسلی^{۱۰}، ۲۰۰۵: ۴۲؛ اسکوگان^{۱۱}،

1 Scott et al

2 Policing

3 Place-Based Policing

4 Place-based Prevention

5 New Model for Policing

6 Third-Party Policing

7 Community Policing

8 Police Partnerships

9 Buerger & Mazerolle

10 Mazerolle & Ransley

11 Skogan

۲۰۰۶: ۲۸-۳۴). در واقع، در این نوع از عملیات نوین پلیسی، مفهوم «شبکه‌های کنترل جرم»^۱ وجود دارد.

پیشینه تحقیق

توجه به الگوهای عملیاتی در مبحث مدیریت مکان، شاخه‌ای بسیار جوان در این حوزه می‌باشد. از یک سو، مطالعات انجام شده داخلی و خارجی در این حوزه اندک بوده و الگوها و مدل‌های کیفی موردی در این زمینه نیز بسیار محدود می‌باشند. در میان منابع داخلی جرم‌شناختی، متون؛ عموماً، «میانی مقیاس»^۲ هستند و یا جنبه‌های کاربردی با رویکردی پوزیتیویستی^۳ و اثباتی داشته و در بین بخش اندک باقی مانده نیز، مفهوم «مدیریت مکان» ناشناخته باقی مانده و «مبانی نظری مکان محور»^۴ معتبر در این متون دیده نمی‌شوند (افراسیابی و یاراحمدی، ۱۳۹۱). در میان منابع داخلی، مهدی مقیمی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «بررسی نقش مکان در ایجاد موقعیت جرم؛ تدوین و تنظیم تدابیر و راه کارهای مکان محور برای پیش‌گیری وضعی از جرم» به تعمق نظری در مورد مفهوم مکان و رابطه آن با جرم و پیشگیری از جرم پرداخته است. این مقاله، از تنها مقالات محدود به زبان فارسی است که به بررسی مستقیم نقش مکان، ماهیت مکان، طبقه‌بندی مکانی جرایم و مؤلفه‌های مکانی در پیدایش موقعیت جرم و تبیین ارتباط میان مکان و پیش‌گیری وضعی پرداخته است. مقیمی؛ با تأکید بر نقش ویژگی‌های مکانی در توزیع سیاهه جرایم، نتیجه مطالعه خود را به کمک تجزیه و تحلیل جرم‌شناختی اماکن و محل‌های بحرانی بر اماکن جهت بخشی بر تدابیر پیشگیرانه وضعی از جرم به کمک مکان و شناسایی این اماکن همانند نقاط بحرانی، مسیرهای بحرانی، مناطق بحرانی قرار داده است. در میان منابع خارجی، «تروی پاین»^۴ (۲۰۱۰) در پژوهشی با عنوان «آیا تغییر مالکیت، تغییر جرم را در بر دارد؟ تحلیل

1 Crime Control Nodes

2 Meso Level

3 Positivist

4 Troy C Payne

مالکیت آپارتمان و جرم در سینسیناتی^۱ اثرات تغییرات مالکیت و روند آن را به کمک تحلیل‌های چند متغیره بر میزان جرم در آپارتمان‌های شهر سینسیناتی بررسی نموده است. این مطالعه، سهم ده درصدی تغییر مالکیت را در افزایش جرم این شهر نشان داده و همچنین مدلی خُرد از مدیریت مکان را در محیط‌های مسکونی بر مبنای مدل خُرد مدیریت مکان «مادنسن» بسط داده است. «تامارا مادنسن»^۲ (۲۰۰۷) در پژوهشی با عنوان «مدیریت بارها^۳ و جرم؛ به سوی یک نظریه پویا از مدیریت مکان و نقاط داغ جرم» در جستجوی چگونگی ارتقاء جایگاه «مدیران مکان»^۴ در پیشگیری از جرم مطالعه خود را انجام داده است. یافته‌های آن مطالعه، از همبستگی و رابطه بالا مابین مجموعه عناصر و عوامل خُرد در مکان با جرم و رابطه قوی مابین مدیریت «بارها» و مراکز تفریحی به عنوان یک مکان با میزان پیشگیری از بی‌نظمی و جرم در این دسته از مکان‌ها است. آن مطالعه در پایان، مجموع این روابط و یافته‌ها را مطابق شکل (۴) در قالب یک «مدل خُرد» یا یک «مدل خاص» از مدیریت مکان به نظم در آورده است. در مجموع، در همگی این الگوها، هستی‌شناسی مدیریتی بر معرفت‌شناسی الگو، غلبه نظری داشته و خوانش از «مکان» در هر سه الگوی یاد شده، قطعی و ناظر بر یک «مکان معین»^۵ می‌باشند. «ویژگی‌های فیزیکی»، «نوع مکان و تأسیسات» و نیز «موقعیت مکان»، از جمله نمونه مؤلفه‌های معرفت‌شناختی این الگوهای مشابه می‌باشند. به علاوه، هیچ‌گونه روابطی مابین مؤلفه‌های مکان محور این نوع از الگوهای قطعی مدیریتی از مکان در جرایم نیز گزارش نشده است. همچنین غلبه الگوی مدیریت بر مکان در این نوع از الگوهای مدیریتی دیده می‌شود و الگوها، بُعد و ماهیت مکانی اندکی دارند. بر این مبنا، در این مطالعه، با نگاهی متفاوت؛ امکان ارائه الگوهای جایگزین از مکان و مدیریت

1 Cincinnati

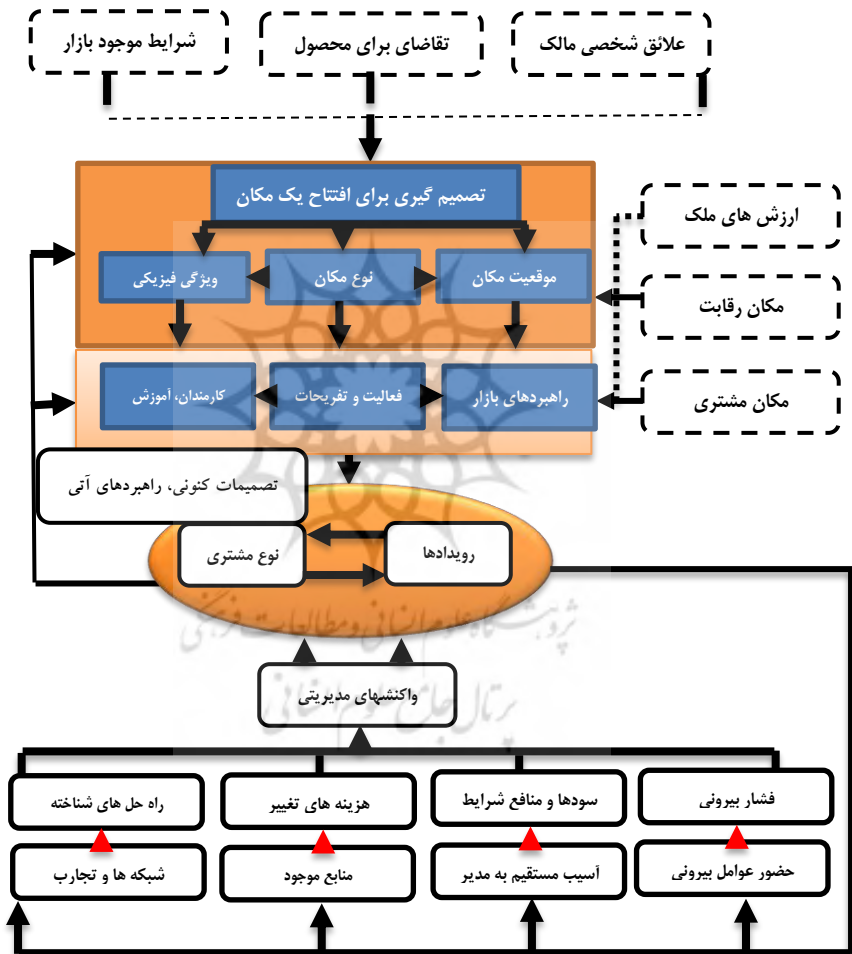
2 Tamara D. Madensen

3 Bars

4 Place Managers

5 Specific Place

مکان همراه با رفع این نقیصه‌های یاد شده دنبال شده است. این الگو، به طور مشخص جایگزین مدل‌های متعدد محتمل و مدل‌های خاص از مدیریت مکان است که به جای بررسی نقطه‌ای و نگرش موردی از مکان؛ دریافتی عام و فراگیر از مکان را مطرح، چستی و چگونگی شکل‌گیری آن صرف نظر از هر نوع از مکان جرم را پوشش داده و آن را مدل‌سازی نموده است.



شکل ۴- الگوی مادِنِسِن، یک نمونه الگوی قطعی از الگوی مدیریت مکان

منبع: (مادِنِسِن، ۲۰۰۷: ۳۴)

روش‌شناسی تحقیق

رویکرد تحقیق این مطالعه، کیفی (کرس ول^۱، ۱۳۹۲: ۲۹۶-۳۱۲) و متکی بر تحلیل‌های ثانویه از شواهد تجربی دست اول کمی در جهت ارائه یک مدل نظری روش مند است. «راهبردهای پژوهشی»^۲ این مطالعه، بر دو «راهبرد شبیه‌سازی»^۳ و «راهبرد استدلال منطقی»^۴ استوار است. بنا بر پیچیده بودن مفاهیم جرم، مکان و مکان_جرم؛ از قابلیت‌های راهبرد شبیه‌سازی و بنا بر لزوم تبیین‌کنندگی «مدل مکان» معرفی شده، از راهبرد «استدلال منطقی» در مطالعه استفاده شده است (گروت و وانگ^۵، ۱۳۹۲: ۲۷۶، ۳۰۴). بر این مبنای، جامعه آماری تحقیق نیز شامل ۳۹۲ مورد مکان نهایی جرایم شهری است که به کمک تکنیک تحلیل محتوای کمی از میان آمار جرایم موجود در وب‌سایت «مگ ایران» در بازه زمانی ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۸ خورشیدی در میان سه محدوده جغرافیایی و محدوده کلانتری سه محله نارمک، نازی‌آباد و پونک در شهر تهران؛ استخراج گردیده‌اند. انتخاب محدوده‌های مطالعه، به دلیل همسویی با اهداف رساله دانشجویی محقق است و خود معرف و گویای سه بافت شهری گوناگون در شهر بزرگ تهران نیز می‌باشد. تعداد نمونه‌های منتخب مطالعه، نیز مطابق جدول (۱)، معادل سهم ده درصدی از کل جامعه آماری و معرفی یک سوم از بهترین نمونه‌های معرف «مدل رابطه‌ای مکان» تحقیق بنا بر محدودیت‌های حجمی تعداد صفحات نگارش مقاله می‌باشد.

1 Creswell

2 Research Strategies

3 Simulation Research

4 Logical Argumentation

5 Groat & Wang

جدول ۱- جامعه آماری و تعداد نمونه‌های تحقیق

ردیف	نام محله	تعداد پیوند خبری بررسی شده در جرایم	تعداد مکان نهایی	تعداد نمونه (ده درصدی)	تعداد یک سوم نمونه قید شده در متن مقاله (مرتبط ترین نمونه‌ها)
۱	نارمک	۳۸۳	۱۵۷	۱۵	۵
۲	پونک	۲۷۳	۷۲	۷	۲
۳	نازی آباد	۵۰۰	۱۶۳	۱۶	۵

همچنین جرایم بررسی شده در این مطالعه، نیز دربردارنده یک الگوی رایج طبقه‌بندی در مجموعه دانش انتظامی و شامل شش دسته جرایم زورگیری، سرقت، قتل، نزاع‌های فردی و جمعی، توزیع مواد مخدر و جرایم اخلاقی می‌باشد. انتخاب این داده‌ها در جهت راهبرد شبیه‌سازی مطالعه و پشتیبانی از مدل کیفی مطالعه به ویژه مدل رابطه‌ای مکان مطالعه بوده و نحوه استفاده از داده‌ها به شکل تجزیه و تحلیل شواهد واقعی جرایم در جهت شناخت بهتر انواع مکان‌های جرم و مؤلفه‌های سازنده مدل رابطه‌ای مکان و مدیریت مکان می‌باشد. به علاوه، از دیگر ظرفیت‌های راهبرد استدلال منطقی همانند «استقرار سامانه مفهومی» با کردار تبیین‌کنندگی در مدل و نیز «مقوله‌بندی چند وجهی»^۱ نیز استفاده شده است (گروت و وانگ، ۱۳۹۲: ۳۰۸، ۳۳۱). همچنین، علی‌رغم ارائه دو مدل نظری و کیفی، در بخش کمی پژوهش؛ مدل بر دو دسته از شواهد و نمونه‌های موردی جرایم واقعی و آراء نظری معتبر و دقیق و دو منطق استدلال استقرایی و قیاسی با یکدیگر متکی بوده و از این نظر، مدل هم از قدرت و توان پیش‌بینی‌کنندگی و هم از قدرت و توان تبیین‌کنندگی نظری برخوردار است. مختصات «مدل مدیریت مکان» نیز برآمده از ابعاد نظری مفهوم «مدیریت مکان» در جرم و استقرار هدفمند «مدل رابطه‌ای مکان» در میانه آن می‌باشد. مطابق این توضیحات، تعداد دوازده مورد از جرایم واقعی در سه محدوده یاد شده به شرح جدول (۲) انتخاب شده‌اند.

جدول ۲- نمونه جرایم واقعی و تجزیه و تحلیل جرایم منتخب مطالعه

ردیف	نوع جرم	شهر و محدوده کلانتری	نام و موقعیت مکان	تجزیه و تحلیل مؤلفه‌های مکان-جرم در رخداد جرم	مؤلفه‌های مدل رابطه‌ای مکان	منبع
۱	گروگان‌گیری، زورگیری	تهران- نارمک	خانه مسکونی	ورود باجناب سابق همسایه به یک خانه با اسلحه سرد و گروگان‌گیری چند نفر از ساکنان خانه و زخمی کردن آنان و حضور چهارساعته در مکان	حضور همسایگان در مکان و استفاده از عنصر مجاورت (مدل رابطه‌ای مکان) برای رهاسازی قربانیان	سال: ۱۳۹۸ https://www.magiran.com/article/4015627
۲	سرقت و قتل	تهران- نارمک	خانه مسکونی	بی‌توجهی زن قربانی به اهمیت مکان در قتل، خراب بودن طولانی‌مدت درب خانه و باز شدن آن با یک هُل و بی‌اعتنایی زوج ساکن به آن، اعتماد بی‌جا به همسایگان، نگهداری طلا در منزل و عدم پنهان‌سازی آن از جلوی چشم غریبه‌ها، بددهکار بودن همسایه قربانی و پنهان‌سازی آن از قربانی	تجمع منابع در مکان، عدم نظارت بر مکان، وجود آلودگی در مکان، استفاده هوشمندانه مجرم از عامل مجاورت و فرصت‌سازی از آن در رخداد جرم	سال: ۱۳۹۲ https://www.magiran.com/article/2882918
۳	سرقت	تهران- نارمک	خانه مسکونی	مهمانی ساختگی در خانه زن ثروتمند، تجمع منابع در خانه زن تنها، نفوذ به خانه به	اهمیت هم‌زمانی حضور منابع و تنهایی یک زن در خانه، اهمیت عنصر	سال: ۱۳۹۳ https://www.magiran.com/article/3085045

	مجرم‌اوردت و مشارکت در برهم زدن رابطه شکل‌گیری مکان	کمک اعتماد ساختگی تازه‌عروس، رساندن قربانی به خانه‌های همسایه، اطلاع‌رسانی همسایگان به پلیس، صحنه‌سازی مجرم در حادثه توسط مجرم				
سال: ۱۳۹۴ https://www.magiran.com/article/3186437	قابلیت و اهمیت فوق‌العاده کلیت مؤلفه‌های سازنده مکان و مدل رابطه‌ای مکان	سرقت بی‌دردسر خودروها فقط با یک تماس، عدم داشتن گواهینامه رانندگی توسط مجرم و سرقت ده‌ها خودرو و استفاده صرف از عدم نظارت بر خودرو در کوچه‌های خلوت شهری	معابر و خیابان‌های شهری و گوشه‌های خیابانی	تهران - نارمک	سرقت	۴
سال: ۱۳۹۵ https://www.magiran.com/article/3488222	تکرار مکان سرقت توسط مجرمان و امکان پیش‌بینی هویت مجرمان به کمک مکان جرم	تخریب درب ورودی کتیس و سرقت اموال با ارزش، تکرار همان سرقت از این نوع مکان در سال قبل	کتیسه	تهران - نارمک	سرقت	۵
سال: ۱۳۹۲ https://www.magiran.com/article/2800505	اهمیت فرم‌ها و شبکه‌های شهری در جرایم، اهمیت عنصر نظارت بر مکان به همراه تجمع هم‌زمان منابع در یک مکان	تغیر هویت شخصی توسط مجرم تحت عنوان مهندس، استفاده از تصادف‌های ساختگی، اعتمادسازی کاذب، سرقت پول حاصل از تبدیل و فروش اتومبیل‌های	معابر و خیابان‌های شهری	تهران - نازی آباد	سرقت	۶

		زیان‌دیده و فریب‌زنان جوان و تنها گذاشتن آنان بعد از سرقت				
سال: ۱۳۹۸ https://www.magir.com/article/3900812	رابطه‌ای بودن ماهیت مؤلفه‌های مکان، اهمیت تمامی عناصر مدل رابطه‌ای مکان و لزوم مدیریت مکان	مراجعه روزانه مجرم به ۱۰۰ فقره باب منزل جهت شناسایی هم‌زمان حضور کودکان و عدم حضور مادر یا پدر کودک و اطمینان از تنها بودن کودک، بستن دست و پای کودکان با طناب و روسری، آزار و اذیت کودکان، سرقت پول	خانه مسکونی	تهران- نازی‌آباد	آزار کودکان، سرقت	۷
سال: ۱۳۹۷ https://www.magir.com/article/3744358	بی‌توجهی به مقوله «مدیر ریسک» و «مدیریت ریسک» در مکان تجاری، تجمع هم‌زمان منابع و ضعف محسوس در نظارت، لزوم هوشمندی فوق‌العاده در مکان و کاهش ریسک	بررسی‌های میدانی مجرمان، عدم امنیت کافی دستگاه‌های خودپرداز بانک و فروشگاه‌های رفاهی و اتصال آن با پیچ به زمین، راحتی سرقت، محور بودن یک شخص بی‌سواد به عنوان سرکرده باند سرقت، آموزش و نقد مستمر سارقان با دیدن فیلم‌های سرقت خود	بانک، فروشگاه تجاری	تهران- نازی‌آباد	سرقت	۸
سال: ۱۳۹۰ https://www.magir.com/article/3744358	آلودگی در مکان، اهمیت عنصر	استفاده از ترفند تعارف شکلات و سرقت	فروشگاه و بازارچه	تهران- نازی‌آباد	سرقت	۹

e/2336624	مشارکت برای اختلال در رخداد و فرصت جرم و دستگیری مجرم	جواهرات کودکان، هوشمندی انتظامی در آموزش به کسبه در خصوص احتمال سرقت مجدد با همین شگردها و تماس مغازه‌داران				
سال: ۱۳۹۵ https://www.magiriran.com/article/3532959	نبود عامل نظارت بر مکان، تجمع هم‌زمان منابع پولی، ردیابی مجرم با مکان کمکی جرم، امکان دستگیری مجرم با مکان	نبود دوربین مداربسته در محل وقوع سرقت، پنهان‌سازی هویت سارق به کمک نقاب، خودروی سرقتی، پرسه زنی نامنظم مجرم در محل سکونت، یکسان بودن مکان سرقت و مکان زندگی مجرم	طلافروشی	تهران- نازی‌آباد	سرقت	۱۰
سال: ۱۳۹۱ https://www.magiriran.com/article/2695582	اهمیت مقوله پیشگیری وضعی در خانه و اهمیت مدیریت مکان، وجود مؤلفه فرصت ساز بی نظارتی و مجاورت در مکان	غفلت مدیر ساختمان از مدیریت ورود غریبه‌ها، حضور سرایدار افغانی، بی‌توجهی قربانی از احتمال دو انگیزه مجرم، استفاده مجرم از دو مکان ورودی مجتمع و خانه قربانی، حضور سه ساعته در منزل	مجتمع مسکونی	تهران-پونک	قتل	۱۱

<p>سال: ۱۳۹۰ https://www.majiran.com/article/2329083</p>	<p>اهمیت عنصر فعالیت و کارکنان یک مکان در فرصت سازی برای رخداد جرم</p>	<p>بی توجهی مالک مکان از احتمال تداوم درگیری و اختلاف قبلی بین مالک و کارکنان در دسرساز یک واحد صنفی در مکان</p>	<p>ساندویچ فروشی</p>	<p>تهران-پونک</p>	<p>قتل</p>	<p>۱۲</p>
---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	------------------------------------------------------------------------	------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	----------------------	-------------------	------------	-----------

یافته‌های پژوهش

هستی‌شناسی «مدل مکان»

در هستی‌شناسی مدل مکان مطالعه، حداقل سه ویژگی ساختار، روابط بین ساختار و ماهیت مدل مدنظر می‌باشد. «ساختار بندی مدل مکان»، نشانگر وجود یک انتظام چند وجهی از مؤلفه‌های مکان در شکل‌گیری جرم و استقرار چندین عنصر با یکدیگر در یک مکان برای رخداد جرم در یک زمان معین و محدود است. در واقع، جرم در یک مکان؛ تنها متکی به یک مؤلفه نیست. این عناصر، همچنین مطابق شواهد عینی جرایم تحلیل شده، با یکدیگر در ارتباط بوده و در هر رخداد جرم می‌توانند پشتیبان و یا مانع یکدیگر برای ارتکاب جرایم در صورت مدیریت آن باشند؛ به عبارت دیگر، مؤلفه‌های سازنده جرم در یک مکان، ماهیتی جداگانه نداشته، نیازمند وقوع هم‌زمان بوده و با هم دارای ارتباط هستند. همچنین، بنا بر وابستگی هم‌زمان مکان و جرایم به یکدیگر، مکان در این مدل؛ مفهومی مستقل نداشته و عمیقاً وابسته به نوع جرم نیز می‌باشد. در واقع، هر نوع مکانی برای هر نوع جرمی مناسب نیست و بین این دو متغیر، لزوماً رابطه خطی وجود ندارد و در عوض نوعی «پیوستگی غیرخطی» میان آن دو وجود دارد. این روابط بین این مؤلفه‌ها، طی تحقیقات تجربی انجام شده در بعضی از شهرهای ایران همانند تهران تأیید شده است (محسنی تبریزی، قهرمانی، یاهک، ۱۳۹۰: ۶۱-۶۶)؛ بنابراین ملاحظات و نمونه آمارهای جرایم تحلیل شده در قسمت قبل، روابط

بین ساختار مؤلفه‌ها نیز نایستی به شکلی غیر رابطه‌مند باشند؛ بلکه بایستی ارتباط بین مؤلفه‌های پیشنهادی در مدل نیز مدنظر قرار داشته و رابطه‌مند نیز باشند. برآیند این دو مقوله با یکدیگر نیز گویای باز بودن ماهیت این مؤلفه‌ها و عدم محدودیت بخشی به مدل به این تعداد از مؤلفه‌ها است. در واقع، با وجود ارائه یک مدل نمونه از مکان در جرایم با تعدادی مؤلفه معین (هشت مؤلفه)، مؤلفه‌های مکمل و پشتیبان دیگری نیز می‌توانند به شکلی «باز»^۱ برای آن در نظر گرفته شوند و مدل می‌تواند لزوماً توأم با مؤلفه‌های بسته همراه نباشد؛ بنابراین، در مجموع «هستی‌شناسی» مدل پیشنهادی مکان - جرم؛ ساختارمند، مؤلفه محور، رابطه‌ای و دارای ماهیتی باز می‌باشد.

هستی‌شناسی «مدل مدیریت مکان»

هستی‌شناسی «مدل مدیریت مکان»، بُعدی مدیریتی دارد. مدل، یک نگاهی هستی‌شناختی سه وجهی به سه مقوله جرم، مکان و مدیریت مکان دارد. مدل، در ضلع جرم شناختی؛ همسو با هستی‌شناسی مفهوم جرم و دارای ابعادی همانند پیچیدگی (تیلی^۲، ۲۰۰۹: ۳)، چندمتغیری (تقوایی، ضرابی، مغانی رحیمی، ۱۳۸۹) و مهار شونده‌گی (ویلکوکس، کالن، فیلدمایر^۳، ۲۰۱۸: ۲۱۰) است. مطابق هستی‌شناسی مفهوم مکان؛ مدل معرفی شده می‌بایست همسو با ویژگی‌های نظری مقوله مکان همانند مؤلفه محوری (مادنسن و اک، ۲۰۱۳: b۹)، تنوع‌پذیری (تیبالدز^۴، ۲۰۰۷: ۹)، قانون محوری و تمرکزپذیری (ویزبرد و تلپ، ۲۰۱۴: ۲۸۲۷-۲۸۳۱)، کنترل‌پذیری و الهام بخشی (ویلکوکس و همکاران، ۲۰۱۸: ۱۴۰) و شبکه‌ای (مادنسن و اک، ۲۰۱۳: ۵۷۰-۵۷۱؛ هرولد، بیهل، مادنسن^۵، ۲۰۱۷: ۷) باشد. در وجه مدیریتی مکان در جرم نیز این مدل می‌بایستی هم جهت با ابعاد پیشگیری از جرم مستتر در تکنیک مدیریت مکان، همانند

1 Open Feature Oriented
2 Tilley
3 Wilcox, Cullen, Feldmeyer
4 Tibbalds
5 Herold, Biehl, Madensen

پیشگیری محوری (یوان.او.دی. سی^۱، ۲۰۱۰: ۱۲-۱۵)، محیط محوری (ورتلی و تیلی، ۲۰۱۴: ۵۱۷۲)، موقعیت محوری (بنسون، مادسن، اک، ۲۰۰۹: ۱۸۳) باشد. این مدل هم‌زمان نیز می‌بایستی همسو با ویژگی‌های نظری این تکنیک عملیاتی از جمله نظارت محوری (لی و هربرون، ۲۰۰۳: ۳۱-۳۶؛ ولش و فارینگتون، ۲۰۰۹: ۹)، مراقبت محوری (اک و ویزبرد، ۱۹۹۵: ۶)، مداخله محوری، سازماندهی محوری (مادسن، ۲۰۰۷: ۱۹؛ مادسن و اک، ۲۰۱۳: b۹)، تنظیم‌کنندگی (مادسن و اک، ۲۰۱۳: b۲۰؛ اسکات و همکاران، ۲۰۰۸: ۲۳۵-۲۳۶) و کنترل‌گری (مادسن، ۲۰۰۷: ۱۹؛ اشنایدر^۲، ۲۰۱۵: ۶۵) و شراکت محوری (گارلند، ۲۰۰۱: b۱۷، ۱۴۷) باشد.

معرفت‌شناسی مشترک «مدل مکان» و «مدل مدیریت مکان»

مدل معرفی شده، یک مدل هشت تکه‌ای و شامل هشت عنصر «فرم-کالبد»، «فعالیت»، «منابع»، «مجاورت»، «آلودگی»، «نظارت»، «مشارکت»، «شراکت» برای شناخت، پیش‌بینی و پیشگیری از «مکان-جرم» می‌باشد. این مجموعه عناصر و مؤلفه‌ها، هم‌زمان از دو منبع فیزیکی و اجتماعی مؤثر در شکل‌گیری مکان در جرم (محسنی تبریزی و همکاران، ۱۳۹۰: ۶۹) پشتیبانی می‌کنند و محدود به یک جنبه فیزیکی یا اجتماعی از فضا و مکان نمی‌باشند. همچنین کلیه مجموعه عناصر شناسایی شده برآمده از ادبیات بین‌رشته‌ای دو دانش شهرسازی و جرم‌شناسی است. منطق تدوین و شناسایی مؤلفه‌ها نیز مبتنی بر دو استدلال استقرائی و قیاسی متشکل از آراء نظری معتبر و دقیق در این حوزه مطابق جدول (۳) است. در ادامه، به معرفی این هشت عنصر و چگونگی حضور مشترک آن‌ها در «مدل مکان» و «مدل مدیریت مکان» مطالعه پرداخته می‌شود.

فرم^۳-کالبد: فرم و کالبد یک مکان، یکی از اصلی‌ترین عناصر تشکیل‌دهنده هر مکان است که در ادبیات تخصصی شامل زیر عناصری همانند اندازه و مقیاس و مساحت همانند بزرگی و کوچکی مکان می‌گردد. همچنین «مقر» یک مکان و نحوه

1 UNODC

2 Schneider

3 Form

استقرار «موقعیت مکانی»^۱ یک مکان همانند استقرار آن در مرکز یا اطراف محدوده‌های شهری نیز از جمله عوامل اصلی تجزیه و تحلیل فیزیکی یک مکان به ویژه از منظر جایگاه آن در بافت‌های شهری می‌باشند. مفهوم فضاهای بی‌دفاع شهری نیز عمیقاً با ویژگی‌های فیزیکی مکان‌ها همانند فضاهای L و U شکل مکان مرتبط می‌باشد.

فعالیت: فعالیت‌ها در «مکان» بخشی دیگر از عناصر مرتبط با جرم و ماهیت مکان در فضا بوده و می‌توانند به عنوان دافعه و یا جاذبه برای مکان‌های جرم عمل کنند. در یک مکان، علاوه بر فعالیت، نوع کارکنان و نوع مشتریان آن فعالیت گردآمده در یک مکان نیز مطابق آراء نظری موجود، می‌توانند در دو سطح کنش‌های رفتاری عادی و در دروساز قلمداد گردند.

منابع:^۲ یکی از مؤلفه‌های کلیدی مطرح در مقوله مدیریت مکان، مدیریت منابع تجمیع شده در یک مکان است که ناظر بر سطحی از انباشت شدگی «ثروت»^۳ اعم از اشیاء قیمتی بی‌جان و یا جاندار و یا منابع انسانی همانند یک انسان ذی‌قیمت می‌باشد. نمونه بارز این منابع، اشیاء و جاندار ارزشمند، پول، کالا، گاو صندوق‌ها، ارزهای خارجی، انواع طلا و جواهرات است.

مجاورت:^۴ مجاورت در مکان، چهارمین عامل مؤثر در مکان و جرم به طور هم‌زمان است. این زیر عنصر، عنصر نوآور مدل و همسو با منطق استقرایی و تحلیل جرایم واقعی شهری مکان است. این زیر عامل، عامل نوآور الگو و همسو با منطق استقرایی در تحلیل جرایم واقعی همانند سرقت از طلافروشی‌ها خواه در جهت نفوذ به مکان و خواه در جهت فرار از مکان است. برخلاف برداشت‌های ساده انگارانه شهرسازان از تأثیرات خطی عواملی همانند کاربری زمین و یا دسترسی‌ها بر جرایم و مکان‌های جرم، جرایم

1 Location
2 Resources
3 Affluence
4 Proximity

به صورت خطی با این دو مقوله کلیدی ارتباط برقرار نکرده و ممکن است به طور هم‌زمان تنها به یکی از هر دو عامل نیازمند باشند. سطوح کاربری‌ها می‌توانند در دو شکل عمده «کاربری‌های زنده و متحرک» و «کاربری‌های غیر متحرک» تعریف شده و سطوح دسترسی‌ها می‌توانند شامل دو نوع «دسترسی‌های مفید ضد جرم» و یا «دسترسی‌های کاذب» در جهت فرار مجرمان مورد استفاده قرار گیرد. در واقع، پیوندهای مکان-جرم و رابطه‌ای بودن رخداد جرم در این ویژگی نوآورانه قابل مشاهده است.

آلودگی^۱ / نا آلودگی: مؤلفه دیگر مؤثر در جرم، مطابق ادبیات تخصصی این حوزه، سطوحی معین از آلودگی تجمع شده در یک مکان است. مطابق آراء نظری موجود، این آلودگی‌ها می‌تواند در چهار دسته آلودگی‌های بصری، شنیداری، محیطی و یا ادراکی طبقه‌بندی گردند و موجب اختلال در حواس و درک از محیط باشند. همچنین، میزان روشنایی و یا تاریکی، میزان شلوغی و یا سکوت در یک مکان، میزان کیفی و تمیزی یک مکان و یا مقولاتی ادراکی از مکان همانند تابلوهای جهت بخش (المان‌ها، تابلوها) و یا گمراه بخش و با نشان خنثی در حوزه روانشناسی محیط نیز از جمله متغیرهای مطرح در مؤلفه هستند.

نظارت^۲ / بی نظارتی: مؤلفه کلیدی نظارت معرفی شده در مدل مکان، ناظر بر ماهیت نظارت محوری تکنیک و فن مدیریت مکان می‌باشد. این نظارت‌ها، می‌توانند شامل طیفی از انواع نظارت‌های طبیعی، نظارت‌های فردی انسانی همانند مکان خالی یا اشغال شده، نظارت‌های جمعی انسانی توأم با حضور یا عدم حضور سرمایه اجتماعی در مکان، نظارت‌های مبتنی بر فناوری و یا نظارت توأم با حضور فیزیکی مدیر مکان همراه باشند.

1 Pollution
2 Surveillance

مشارکت / بی‌مشارکتی - شراکت / بی‌شراکتی در مکان: دو مؤلفه دیگر پیشنهاد شده، ناظر بر ماهیت شراکتی مدیریت مکان و حضور طیفی از نیروهای مؤثر در کنترل جرم به جز نیروی پلیس است. میزان اطلاع‌رسانی، حواس جمعی و گوش‌بزرگی و یا میزان قبول اختیارات و پذیرش مسئولیت بر یک مکان از جمله شاخص‌های عملیاتی این مؤلفه، می‌توانند محسوب گردند. لازم به ذکر است که «عنصر مشارکت» همسو با ادبیات دانش برنامه‌ریزی شهری و «عنصر شراکت» همسو با ادبیات تخصصی دانش جرم‌شناسی مکانی و مدیریت مکان در این مدل قرار داده شده است. جدول (۳)، نگاهی تجمیعی بر این مجموعه مؤلفه‌های پیشنهادی مدل «مکان در جرم» مطالعه به همراه آراء نظری پشتیبان آن دارد.

جدول ۳- شاخص‌ها و آراء نظری - عملی مدل مکانی و مدیریتی «مکان - جرم» پیشنهادی

مطالعه

آراء نظری پشتیبان مؤلفه‌ها	متغیر عملیاتی	متغیر اصلی	عناصر مدل مکان	ردیف
+ لینچ ^۱ (۱۹۶۰) + مامفورد ^۲ (۱۹۳۸) + گل ^۳ (۲۰۱۱) + کریر ^۴ (۱۹۹۱) + اک و ویزبرد (۱۹۹۵) + تیلور و هارل ^۵ (۱۹۹۶) + مدنی پور ^۶ (۲۰۰۳) + الکساندر ^۷ (۲۰۱۴)	کوچکی گرانگی	اندازه، مقیاس و مساحت	فرم و کالبد فیزیکی	۱
+ نیومن (۱۹۷۳) + گل (۲۰۱۱)	متن شهر (متمرکز) ایزوله شده (پراکنده)	مقر مکان		

- 1 Lynch
- 2 Mumford
- 3 Gehl
- 4 Krier
- 5 Taylor & Harrell
- 6 Madanipour
- 7 Alexander

+ هیلر ^۱ (۱۹۸۸) + الکساندر (۲۰۱۴)				
+ نیومن (۱۹۷۳)	کُنج‌ها و گوشه‌ها فضای L و U شکل	فضای بی‌دفاع		
+ لینچ (۱۹۶۰) + برانتینگهام و برانتینگهام ^۲ (۲۰۱۰) + مدنی پور (۲۰۱۰) + مادنیسن و اک (۲۰۱۳a)	مفید کاذب (راه نفوذ به مکان، یا فرار از مکان) سرزنده و دعوت کننده مرده و طرد کننده	دسترسی کاربری	مجاورت	۲
+ گل (۲۰۱۱) + کانتر (۱۹۷۷) + بن و گوئس ^۳ (۱۹۸۳) + جانستون و شرینگ (۲۰۰۳) + مادنیسن (۲۰۰۷)	عادی و معمولی وسوسه انگیز و جرم انگیز عادی دردسرساز عادی دردسرساز	نوع فعالیت نوع کارکنان نوع مشتری	فعالیت	۳
+ بن و گوئس (۱۹۸۳) + مادنیسن (۲۰۰۷) + مدنی پور (۲۰۱۰)	پول نقد، ارز خارجی سودمند (گوشی، تی وی و...) زینتی (تابلو فرش، تابلو هنری) طلا، نقره و... انسان یا حیوان ذی‌قیمت و ارزشمند	پول، ارز کالا طلا و جواهرات انسان، حیوان...	اشیاء منابع موجود زنده	۴
+ گلکار (۱۳۹۰) + نیومن (۱۹۷۳) + کلینگ و ویلسون ^۱	روشنایی تاریکی شلوغی سکوت کثیفی	بصری شنیداری محیطی	آلودگی	۵

1 Hillier

2 Brantingham & Brantingham

3 Benn and Gaus

(۱۹۸۲) + الکساندر (۲۰۱۴)	تمیزی	ادراکی		
	جهت بخش (المان، تابلو) ناخوانایی، خنثی، گمراه بخش			
(۱۹۸۴) ^۲ + جاکوبز + نیومن (۱۹۷۳) + بوردیو ^۳ (۱۹۸۶) + هیلر (۱۹۸۸) + اک (۱۹۹۴) + پوتنام ^۴ (۱۹۹۵) + مدنی پور (۲۰۱۰) + مادسن (۲۰۰۷)	چشمان ناظر انسانی	طبیعی	نظارت	۶
	سطح خالی شده فضا	فردی انسانی		
	سطح اشغال شده فضا			
	روابط گرم اجتماعی	جمعی انسانی		
	روابط خشک اجتماعی			
	دوربین مداربسته و آژیرهای خطر	فناورانه		
حضور فیزیکی مدیر	مدیر مکان			
(۱۹۹۹) ^۵ + وایت + گارلند (b۲۰۰۱) + مادسن (۲۰۰۷)	اطلاع رسانی	مشارکت در مکان	مشارکت	۷
	حواس جمعی و گوش بزنگی			
(۱۹۹۹) + وایت + گارلند (b۲۰۰۱) + مادسن (۲۰۰۷)	قبول اختیارات	شراکت در مکان	شراکت	۸
	پذیرش مسئولیت			

شکل (۵) مدل مکان و عناصر هشت گانه تشکیل دهنده معرفی شده در این بخش از مطالعه را به صورت گرافیکی نمایش می‌دهند.

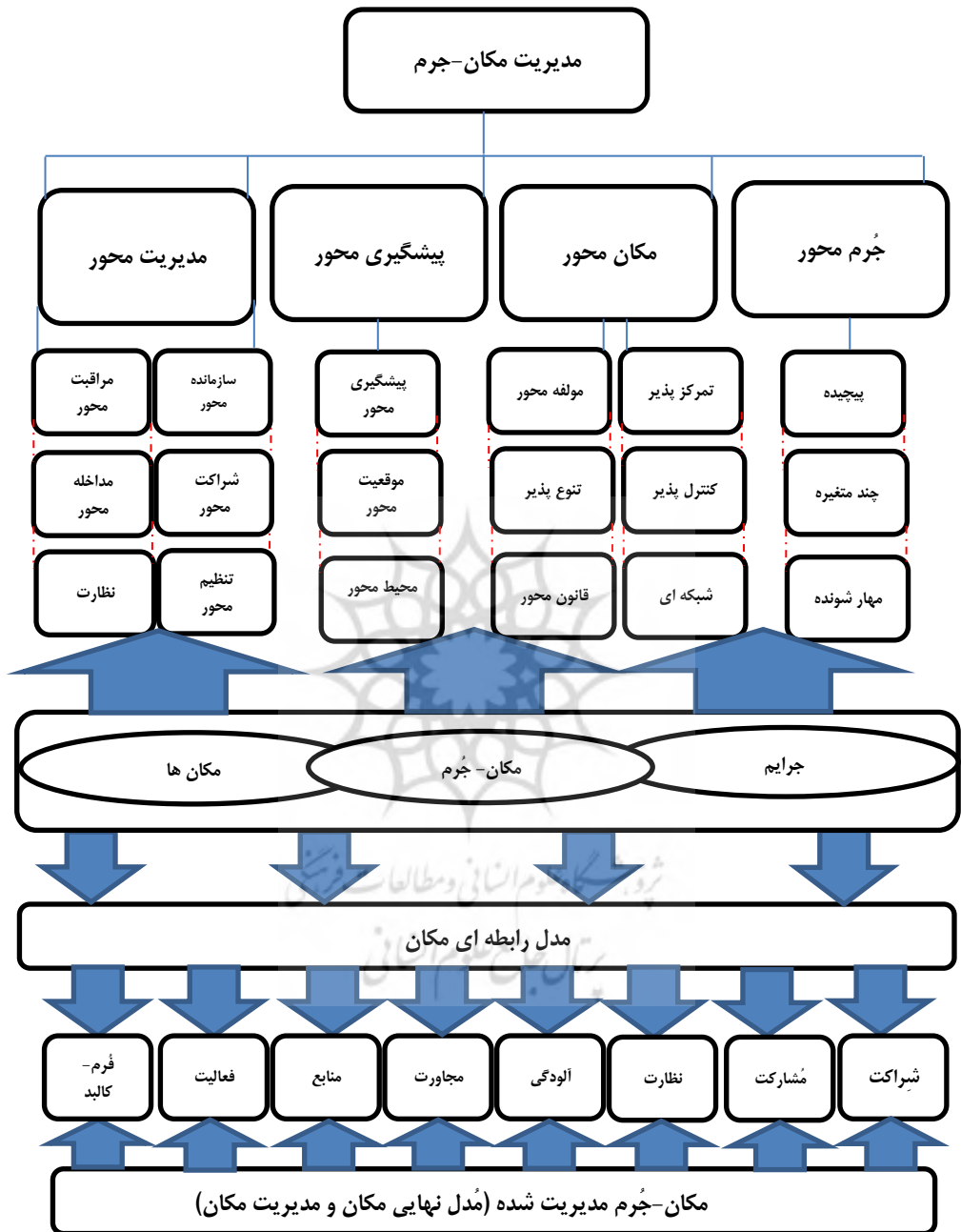
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

-
- 1 Kelling & Wilson
2 Jacobs
3 Bourdieu
4 Putnam
5 White



شکل ۵- عناصر و مولفه های هشت گانه شناسایی در «مدل مکان - جرم» مطالعه

همان‌طور که در شکل (۶) نیز مشاهده می‌کنید، الگوی نهایی «مدل مرکب مدیریت مکان-جرم» پیشنهادی مطالعه در آن نمایش داده شده است. این مدل، یک «مدل مرکب» شامل دو مدل از عناصر «مدل مدیریت مکان» و عناصر «مدل رابطه‌ای مکان» می‌باشد. در واقع، در این مدل؛ هستی‌شناسی مدل مدیریت مکان (چهار وجه پایه) و معرفت‌شناسی مدل رابطه‌ای مکان (هشت زیر مؤلفه میانی) با یکدیگر تجمیع شده و «مدل رابطه‌ای مکان» به عنوان حلقه واسطه مدل پیشنهادی مدنظر قرار گرفته و در مرکز مدل استقرار یافته است. در مجموع، این «مدل مدیریتی مکان-جرم» دارای چهار وجه پایه مدیریتی و هجده اصل محوری مکمل و هشت زیر مؤلفه میانی مکان محور می‌باشد.



شکل ۶- مدل نهایی مدیریت مکان-جرم پیشنهادی مطالعه

بحث و نتیجه‌گیری

فضاها و مکان‌های شهری، در کنار نوآوری و جذابیت شهری با چالش‌های مختلفی همانند ناامنی و نبود امنیت نیز روبرو هستند. امنیت و یا ناامنی، یکی از چالش‌های پُر دوام در حوزه مدیریت و برنامه‌ریزی شهری بوده و هم‌اکنون بنا بر اهمیت آن خود به یک «سیاست شهری» تبدیل شده است. در این شرایط است که این فضاها و به ویژه مکان‌ها در عرصه شهر یک نقش دوگانه‌ای در این شرایط به خود می‌گیرند. از سوی دیگر، با پیچیده‌ترین شدن و غنی شدن مفهوم شهر، اصطلاحات و واژه‌هایی همانند «مکان» و «مدیریت مکان» نیز دیگر مفاهیمی تک زمینه‌ای و تک‌رشته‌ای نمی‌باشند و اساساً خود نیازمند تعمق نظری بین‌رشته‌ای از زوایای گوناگون هستند. از سوی دیگر، واژه‌هایی همانند «امنیت» نیز در همین راستا پیشرفت‌های مفهومی قابل توجهی داشته، مفاهیم نوینی همانند «ذهنیت امنیت» در آن پدید آمده و عمیقاً بر نگرش‌ها و مدل‌های نظری و اجرایی دستگاه پلیس نیز اثرگذار بوده است. مکان در حوزه جرم‌شناسی نیز در همین زمینه پیشرفت‌های نظری چشمگیری داشته است. بر این اساس، در ادبیات نوین و آراء جهش یافته خاص جرم‌شناسی محیطی، نقش پیشینی مکان تغییر یافته و از یک عنصر و عامل معمولی به یک واژه دارای شبکه مفهومی _ عینی و به یک «عنصر ویژه و معنادار» ارتقاء داده شده و هم‌اکنون سهم قابل توجهی از متون بر روی این مهم و قابلیت‌های مختلف آن همانند پیش‌بینی جرم تمرکز نموده‌اند. در واقع، دو مقوله نوین «مکان» و «مدیریت مکان» را می‌توان حداقل از سه زاویه نظری «نظریه‌های جرم شناختی»، «نظریه‌های پیشگیری از جرم» و «نظریه‌های عملیات پلیسی» مورد بررسی قرار داد. به طور مشخص در حوزه عملیات پلیسی، مفهوم مدیریت مکان دارای بارهای معنایی مختلفی در حوزه پیشگیری وضعی و شراکت بخشی در دستگاه پلیس است. این مفهوم، خود بسترساز رویکردهای نوین پلیسی همانند «پیشگیری مکان محور»، «عملیات گشت زنی مکان محور» و یا «پلیس بخش سوم» بوده و نیز مسبب شکل‌گیری «شبکه‌هایی از کنترل جرم» به جای رویکردهای سنتی عملیات پلیسی در پیشگیری و

کنترل جرایم است. در این مطالعه، بر مبنای این جهش صورت گرفته در آراء خاص جرم‌شناسی محیطی و جرم‌شناسی مکان، به طور خاص بر مفاهیمی همانند مکان و مدیریت مکان در جرم تأکید شده و دو مدل شامل «یک مدل از مکان» و «یک مدل از مدیریت مکان» معرفی شده است. مدل‌های معرفی شده در این حوزه، بنا بر ضرورت‌های معرفی مدل مکان در علوم بین‌رشته‌ای از جمله دانش جرم‌شناسی در حوزه پیشگیری به ویژه پیشگیری وضعی از جرم و نیز همسو با خلأهای موجود نظری در خصوص کاستی‌های موجود در این زمینه و محدود بودن مدل‌های موجود نظری و عملیاتی از مکان و مدیریت مکان در حوزه تخصصی جرم‌شناسی مکانی تدوین شده‌اند. در این راستا، دستیابی و شناخت از مکان در جرایم خود نیازمند تعمق در مفاهیم نظری با پشتوانه آمارهای واقعی از جرایم و مکان‌های ناظر بر آن است. بر این مبنای و بنا بر اهمیت مکان در جرم، در این مطالعه، حرکتی به سوی تدوین و معرفی یک «مدل مکانی» مبتنی بر مؤلفه‌های تکرار شونده جرم در مکان صورت گرفته است. در مدل، کلیه اجزاء شناسایی و معرفی شده کاملاً با یکدیگر در ارتباط بوده و با یکدیگر همبستگی دارند. «مدل مکان» معرفی شده در این مطالعه به نام «مدل هشت تکه‌ای مکان» و یا «مدل هشت تکه‌ای مکان - جرم» است که منطق استقرار آن برخوردار از دو سطح استقرایی و قیاسی با یکدیگر است. همچنین، این دو مدل دارای دو وجه هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی است. در بُعد هستی‌شناسی، مدل مکان؛ ساختارمند، تبیین‌کننده، دارای ماهیت معین و نیز دارای سطحی از روابط مدار گونه در ساختار خود است. هستی‌شناسی مدل مدیریت مکان نیز شامل چهار وجه پایه «مدیریت محور»، «پیشگیری محور»، «مکان محور» و «جرم محور» می‌باشد. «رابطه‌ای بودن» ساختار مدل، گویای لزوم فاصله‌گیری از مدل‌های قطعی از مکان در جرایم و روی آوردی به سوی مدل‌های رابطه‌مند پیچیده‌تر است. مدلی که به مراتب از برداشت‌های ساده‌انگارانه از مکان فاصله دارند. بر این مبنای، هشت مؤلفه اصلی و تکرار شونده فرم - کالبد، فعالیت،

منابع، مجاورت، آلودگی، بی نظارتی، بی مشارکتی و بی شراکتی، زیر عناصر ساختاری معرفت‌شناسی هم‌زمان دو مدل مکان و مدل مدیریت مکان را مطابق منطق استقرایی و آراء و ایده‌های نظری قیاسی استخراج شده در دو حوزه مفهومی یاد شده تشکیل می‌دهند. یادآوری می‌شود، اگرچه این دو مدل نمی‌توانند به طور کامل ادعای جامع بودن و مانع بودن را به طور هم‌زمان داشته باشند؛ ولی حداقل می‌توانند ادعای شمولیت نسبی پوشش تبیین‌کنندگی مجموعه مؤلفه‌های کلیدی استقرار جرم در مکان را با خود حمل نمایند و ویژگی رابطه‌مندی زیر مؤلفه‌های آن؛ عملاً جنبه نوآوری آن را برجسته کرده و پوشش لازم را به مدل می‌دهد. به علاوه، مدل‌ها، می‌توانند در ارتقاء فهم‌پذیری مفهوم مکان و کاربردپذیری مفهوم و تکنیک یا فن مدیریت مکان نیز فوق‌العاده سودمند باشند. از این رو، هر دو مدل می‌توانند مطلوبیت خاص نظری- عملی نیز داشته باشند. در مجموع، به کمک مدل‌های غیرقطعی و عام معرفی شده؛ هم‌اکنون، امکان تفکر و تفهم نظری بیشتری برای درک نقش مکان در جرم و پدیده پیوسته «مکان-جرم» فراهم شده و قابلیت نظری- عملی مکان در ارتقاء امنیت شهری به ویژه در فضاها و مکان‌های عمومی پررنگ‌تر شده است. در پیوند با ابعاد انتظامی نیز هر دو مدل نظری معرفی شده به ویژه برای دستگاه پلیس و اقدامات امنیت محور و انتظامی نیز در سطح شهرها مفید می‌باشند و هر دو از قابلیت پیش‌بینی‌کنندگی و تبیین‌کنندگی جرایم برای این دستگاه برخوردار هستند. این امر، از یک سو به نوعی خلأهای نظری دانشی را برای دستگاه پلیس برطرف می‌سازد و بنا بر امکان توسعه مدل مکانی و مدیریتی مطالعه، امکان استفاده از تجارب روزمره دستگاه پلیس و یا امکان انباشت مجموعه دانش انتظامی در مدل نیز وجود دارد و این مهم می‌تواند موجب ارتقاء و کیفیت‌بخشی به هر دو مدل باشد. بر این اساس، بخش دیگری از ابعاد نظری مکان از جمله رابطه مند بودن رخداد جرم و مرکب بودن آن با پدیده مکان، در این مطالعه برای نخستین بار در سطح مطالعات داخلی و خارجی معرفی شده است. بدین

ترتیب، ابعاد جدیدتری از اهمیت دو مقوله «مکان» و «مدیریت مکان» در جهت پیشگیری و کنترل وضعی جرم و در راستای مدیریت بیشتر امنیت عمومی مکان‌ها و فضاهای شهری هویدا شده و نظم یافته است.

پیشنهادها

- استفاده از ظرفیت‌های «مدل رابطه‌ای مکان» برای تجزیه و تحلیل پرونده‌ها و مجموعه جرایم روزانه و واقعی توسط دستگاه پلیس و دستگاه قضایی
- استفاده از ظرفیت‌های «مدل رابطه‌ای مکان» برای پیش‌بینی مکانی جرایم در نقاط مستعد و نقاط داغ جرم توسط پلیس پیشگیری ناجا
- استفاده از «مدل رابطه‌ای مکان جرم» به عنوان مبنایی برای طراحی مدل‌های نظری خرد و موردی به تفکیک مکان‌های داغ، مستعد و جرم خیز در مناطق و محلات مختلف شهری
- استفاده از «مدل رابطه‌ای مدیریت مکان- جرم» برای مدیریت مکان‌ها، آدرس‌های پُر تکرار، گوشه‌های خیابانی و مسیرهای بحرانی در جهت مدیریت و کنترل وضعی جرایم در سطح شهر
- آگاهی بخشی خرد محور فضایی به خانواده‌ها و شهروندان از موقعیت‌های مختلف مکانی استقرار خود و توجه هم‌زمان از موقعیت‌های دارای اتصال‌دهندگی و رابطه بخشی به مکان‌های جرم خیز در قالب کارگاه‌های آموزشی مکان محور

تقدیر و سپاسگزاری

بدین وسیله از دو داور ناشناس منتخب نشریه به دلیل نظرات ارزشمندشان در جهت ارتقاء کیفیت فنی و نوشتاری مطالعه حاضر و همچنین از زحمات مدیریت محترم داخلی نشریه، جناب آقای دکتر مهدی مقیمی به دلیل برخورد شایسته و راهنمایی‌های ارزنده ایشان در جهت بهبود ابعاد انتظامی و چاپ نهایی مقاله صمیمانه سپاسگزاری و قدردانی می‌گردد.

منابع

۱. افراسیابی، علی؛ یاراحمدی، مسعود. (۱۳۹۱). بررسی راهبردهای طراحی و مدیریت مکان برای پیشگیری وضعی از جرم. فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، ۷ (۲۴): ۱۵۹-۱۸۴. قابل بازیابی از http://cps.jrl.police.ir/article_13577.html.
۲. تقوایی، مسعود؛ ضرابی، اصغر؛ مغانی رحیمی، بهنام. (۱۳۸۹). بررسی عوامل مؤثر بر میزان جرم در مناطق مختلف شهر شیراز. فصلنامه علوم اجتماعی، ۱۷ (۴۸): ۱-۴۱. قابل بازیابی از http://qjss.atu.ac.ir/article_872.html.
۳. صالحی، اسماعیل. (۱۳۸۷). ویژگی‌های محیطی فضاهاى شهری امن. تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری ایران.
۴. کاشانی جو، خشایار. (۱۳۸۹). بازساخت رویکردهای نظری به فضاهاى عمومی شهری. فصلنامه هویت شهر، ۴ (۶): ۹۵-۱۰۶. قابل بازیابی از http://hoviatshahr.srbiau.ac.ir/article_1126.html.
۵. کرس ول، جان دلیو. (۱۳۹۲). طرح پژوهش، رویکردهای کیفی، کمی و ترکیبی، ویرایش سوم ۲۰۰۹. ترجمه علیرضا کیامنش، مریم دانای طوس، تهران: جهاد دانشگاهی، واحد علامه طباطبایی.
۶. گروت، لیندا؛ وانگ، دیوید. (۱۳۹۲). روش‌های تحقیق در معماری. ترجمه دکتر علیرضا عینی فر، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۷. گلکار، کوروش. (۱۳۹۰). آفرینش مکان پایدار، تأملاتی در باب نظریه طراحی شهری. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول.
۸. محسنی تبریزی، علیرضا؛ قهرمانی، سهراب؛ یاهک، سجاد. (۱۳۹۰). فضاهاى بی دفاع شهری و خشونت (مطالعه موردی: فضاهاى بی دفاع شهر تهران). فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۲ (۴): ۵۱-۷۰. قابل بازیابی از http://jas.ui.ac.ir/article_18243.html.
۹. مقیمی، مهدی. (۱۳۹۵). بررسی نقش مکان در ایجاد موقعیت جرم؛ تدوین و تنظیم تدابیر و راه کارهای مکان محور برای پیش‌گیری وضعی از جرم. فصلنامه انتظام اجتماعی، ۹ (۱): ۱۵۵-۱۸۶. قابل بازیابی از http://sopra.jrl.police.ir/article_70408.html.

10. Alexander, J.(2014). Place-Based Approach To Understanding Gun Violence: Exploring the Physical Characteristics of Sites where Youth-Related Gun Violence Occurred in the Halifax RegTTTTTTTTtttttt t . aa rrrrs ff rr ss rrrrrr rrrrrr r attt aa yyss University, Halifax, Nova Scotia.
11. Benn, S. I., Gaus, G. F. (1983). The public and the private: concepts and action. in S. I. Benn and G. F. Gaus (eds). Public and Private in Social Life.London: Croom Helm; New York: St aa P P P P P P P P.
12. Benson, M.L., Madensen, T.D., Eck, J.E.(2009). White-Collar Crime from an Opportunity Perspective. In Simpson, S.S., Weisburd, D. (eds). The Criminology of White-Collar Crime. NY: Springer Science+Business Media, LLC.
13. Boba Santos, R., Santos, R.(2014). Theft at Construction Sites. In Bruinsma, G., Weisburd, D. (eds).Encyclopedia of Criminology and Criminal Justice. New York: Springer Science+Business.
14. Bottoms, A.E., Wiles, P. (1992). Explanations Of Crime And Place. In Evans, D.J., Fyfe, N.R., Herbert, D.T. (eds). Crime, Policing And Place Essays In Environmental Criminology.NY: Routledge.
15. Bourdieu, P. (1986). The Forms of Capital. IN J.G. Richardson (ed.). Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education. New York:Greenwook Press.
16. Brantingham, P.L. and P.J. Brantingham (2010). Nodes, paths and edges: considerations on the complexity of crime and the physical environment. Journal of Environmental Psychology 13, 3–28, IN Andresen, M.A., Brantingham, P.J., & Kinney, J.B. (eds.). Classics in Environmental Criminology. Boca Raton, FL: Taylor & Francis.
17. Buerger, M. E. and Mazerolle, L. G. (1998). Third-party policing: A theoretical analysis of an emerging trend. Justice Quarterly, 15 (2), 301–327. Retrieved At : <https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/07418829800093761>.
18. Bullock, K., Clarke, R.V., Tilley, N.(2010). Introduction. In Bullock, K., Clarke, R.V., Tilley, N.(eds). Situational Prevention of Organised Crimes. Devon: Willan Publishing.

19. Canter, D. (1977). *The Psychology of Place*. London: Architectural Press.
20. Carter, R.L., Hill, K.Q.(1979). *The Criminal's Image of the City*, Pergamon Policy Studies on Crime and Justice. New York:Pergamon Press.
21. Clarke, R.V. (2005). Seven misconceptions of situational crime prevention. In Tilley, N (ed). *Handbook of Crime Prevention and Community Safety*.Devon: Willan Publishing.
22. Cohen, L.E., Felson, M. (1979). Social change and crime rate trends: a routine activity approach. *American Sociological Review* 44 (4), 588–608. Retrieved At : <https://www.jstor.org/stable/2094589?seq=1>.
23. Cornish, D.B., Clarke, R.V.(2003). Opportunities, Precipitators And Criminal Decisions: A Reply To Wortley's Critique Of Situational Crime Prevention. *Crime Prevention Studies*, 16, 41-96. Retrieved At: <https://popcenter.asu.edu/content/crime-prevention-studies-volume-16-volume-16>.
24. Eck, J.E.,Clarke, R.V., Guerette, R.T.(2007). Risky Facilities: Crime Concentration in Homogeneous Sets of Establishments and Facilities.*Crime Prevention Studies*, 21, 225–264. Retrieved At: <https://popcenter.asu.edu/content/crime-prevention-studies-volume-21-volume-21>.
25. Eck, J.E., Guerette, R.T.(2012). Own the Place, Own the Crime Prevention, How Evidence about Place-Based Crime Shifts the Burden of Prevention. In Loeber, R. Welsh, B.C. (eds). *The Future of Criminology*, New York: Oxford University Press.
26. Eck, J. E., Weisburd, D. (1995). Crime places in crime theory. In: J. E. Eck & D. Weisburd (eds). *Crime and place*. Monsey, NY: Willow Tree Press.
27. Eck, J.E. (1994). Drug markets and drug places: a case-control study of the spatial structure of Illicit drug dealing. Unpublished Ph.D. dissertation, University of Maryland, College Park.
28. Eck, J.E. (2015). There is Nothing So Theoretical As Good Practice: Police-researcher coproduction of place theory. IN Laycock, G., Cockbain, E., & Knutsson, J. (eds). *Applied Police Research: Challenges and Opportunities*. London: Routledge.

29. Garland, D. (2001). Introduction, The meaning of mass Imprisonment. In Garland, D.(ed.). Mass Imprisonment Social Causes And Consequences. London: Sage Publications.
30. Garland, D. (2001).The Culture of Control, Crime and Social Order in Conterriporary Society. Chicago: The University of Chicago Press.
31. Gehl, J. (2011). Life Between Buildings, Using Public Space. Translated by Jo Koch, Washington:Island Press.
32. Graham. C., Clarke, J. (1996). Dangerous Places: Crime And The City. In Mucie. J., mclaughlin. E. (eds). The problem of crime. London: sage Publishers Ltd.
33. Groff, E. (2008). Simulating crime to inform theory and practice. In Chainey, S., Tompson, L. Crime Mapping Case Studies: Practice and Research. West Sussex: John Wiley & Sons, Ltd.
34. Herold, M., Biehl, R., Madensen, T.D. (2017). Understanding Crime-Place Networks. 27th Annual Problem-Oriented Policing Conference, October 2-4,Houston, Texas. Retrieved At: https://popcenter.asu.edu/sites/default/files/understanding_crime-place_networks_tamara_madensen_maris_herold.pdf
35. Hillier, B. (1988). Against enclosure. in Teymur, N., Markus, T. and Wooley, T.(eds), Rehumanising Housing, London:Butterworths.
36. Hopkins Burke, R. (2009). An Introduction to Criminological Theory. Devon:Willan Publishing.
37. Jacobs, J. (1984). The Death and Life of Great American Cities: The failure of modern town planning. London: Peregrine Books.
38. Johnston, J., Shearing, C.(2003).Governing Security, Exploration In Policing And Justice. London:Routledge.
39. Kelling. G., Wilson. J. (1982) Broken windows: the police and neighborhood safety. Atlantic Mon 249 (3): 29–38. Retrieved At: <https://www.theatlantic.com/magazine/archive/1982/03/broken-windows/304465>.
40. Kikuchi, G. (2010). Neighborhood Structures and Crime, A Spatial Analysis. LFB Scholarly Publishing LLC, El Paso.

41. Krier, R.(1991).Urban Space. Translated by: Christine Gzechowski & George Black, London: Academy Editions.
42. Lee, M., Herborn, P.(2003). The Role of Place Management in Crime Prevention: Some Reflections on Governmentality and Government Strategies. *Current Issues In Criminal Justice*, 15 (1):26-39. Retrieved At:
<https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/10345329.2003.12036275>.
43. Lehtovuori, P., Havik, k. (2009). Alternative Politics in Urban Economies, Creative Cities Asian-European Perspectives. Dordrecht: Springer Science + Business Media.
44. Lynch, K. (1960). *The Image of the City*. Cambridge MA: MIT Press.
45. Madanipour, A. (2003). *Public and Private Spaces of the City*. London: Routledge.
46. Madanipour, A.(2010). Introduction. IN Madanipour, A. (ed). *Whose Public Space? International case studies in urban design and development*. New York: Routledge.
47. Madanipour, A.(2010). Public space and everyday life in urban neighbourhoods. IN Madanipour, A. (ed). *Whose Public Space? International case studies in urban design and development*. New York: Routledge.
48. Madensen, T. D. (2007). *Bar Management and Crime: Toward a Dynamic Theory of Place Management and Crime Hotspots*. Ph.D. Dissertation. Cincinnati, OH:University of Cincinnati.
49. Madensen, T.D., Eck, J.E. (2013). Crime places and place management. In Cullen, F.T. and Wilcox, P. (eds). *The Oxford handbook of criminological theory*. New York: Oxford University Press.
50. Madensen, T.D., Eck, J.E. (2013). *Place-Based Guardians*. A Powerpoint Presented at 69th Annual Meeting, American Society of Criminology, Atlanta, GA, November.
51. Mant, J. (1998). *Place management: why it works and how to do it*. SYDNEY VISION, UTS Papers in Planning,13.
52. Mazerolle, L., Ransley, J. (2005). *Third Party Policing*. Cambridge: Cambridge University Press.

53. More, H.W., More, T.L. (2012). *Effective Police Management: Striving for Accountability and Competence*. Charles C Thomas Publisher.
54. Morrison, W. (1995). *Theoretical Criminology: From Modernity To Post-Modernism*. London: Cavendish Publishing Limited.
55. Mumford, L. (1938). *The Culture of Cities*. Harcourt Brace, New York.
56. Newman, O. (1973). *Defensible Space: People and Design in the Violent City*. Architectural Press, London.
57. Payne, T.C. (2010). *Does Changing Ownership Change Crime? An Analysis of Apartment Ownership and Crime in Cincinnati*. Ph.D. Dissertation. Cincinnati, OH: University of Cincinnati.
58. Putnam, R. D. (1995). Bowling alone: The collapse and revival of social capital. *Journal of Democracy*, 6 (1), 65–78. Retrieved At :<http://xroads.virginia.edu/~Hyper/DETOC/assoc/bowling.html>.
59. Schneider, S. (2015). *Crime Prevention, Theory And Practice*. London: Taylor & Francis Group: Crc Press.
60. Scott, M., Eck, J., Knutsson, J., Goldstein, H. (2008). Problem-oriented policing and environmental criminology. In Wortley, R., Mazerolle, L. (eds). *Environmental Criminology and Crime Analysis*. Devon: Willan Publishing.
61. Skogan, W.G. (2006). Advocate: The promise of community policing. In Weisburd, D., Braga, A.A. (eds). *Police Innovation Contrasting Perspectives*. Cambridge: Cambridge University Press.
62. Taylor, R.B. & Harrell, A.V. (1996). *Physical Environment and Crime*. Washington, DC: National Institute of Justice, US Department of Justice.
63. Taylor, R.B. (1997). *Crime and Small-Scale Places: What We Know, What We Can Prevent, and What Else We Need to Know*. Paper Presented IN: *Crime and Place: Plenary Papers of the 1997 Conference on Criminal Justice Research and Evaluation*, U.S. Department of Justice Office of Justice Programs. National Institute of Justice.
64. Tibbalds, F. (2007). Places matter most. In Carmona, M., Tiesdell, S. *Urban Design Reader*. Oxford: Architectural Press.

65. Tilley, N. (2009). Crime Prevention. Devon: Willan Publishing.
66. UNODC.(2010). Handbook on the crime prevention guidelines Making them work, United Nations Office on Drugs and Crime. Criminal Justice Handbook Series, No. E.10.IV.9, United Nations Publication.
67. Weisburd, D., Groff, E.R., Yang, S.M.(2012). The Criminology of Place, Street Segments And Our Understanding Of The Crime Problem. NY: Oxford University Press.
68. Weisburd, D., Telep, C. W. (2014). Law of Crime Concentrations at Places, In Bruinsma, G., Weisburd, D. (eds). Encyclopedia of Criminology and Criminal Justice. New York: Springer Science+Business Media.
69. Weisburd D., Telep C.W. (2010). The efficiency of place based policing. J Police Stud, 17:247–262. Retrieved At : https://www.researchgate.net/publication/267295615_The_Efficiency_of_Place-Based_Policing.
70. Welsh, B.C., Farrington, D.P.(2009). Making Public Places Safer, Surveillance and Crime Prevention. NY:Oxford University Press, Inc.
71. White. R. (1999). Public Spaces, Social Planning And Crime Prevention. Urban Policy and Research, 17(4), 301-308. Retrieved At : <https://rsa.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/0811149908727815?journalCode=cupr20>.
72. Wilcox, P., Cullen, F.T., Feldmeyer, B.(2018). Communities and Crime, An Enduring American Challenge. Pennsylvania: Temple University Press.
73. Wortley, R., Tilley, N.(2014). Theories for Situational and Environmental Crime Prevention. In Bruinsma, G., Weisburd, D. (eds) .Encyclopedia of Criminology and Criminal Justice. New York: Springer Science+Business Media.
74. Zukin, S. (1995). The Culture of Cities. Massachusetts: Blackwell Publishers Inc.
75. <https://www.magiran.com/article/2329083>
76. <https://www.magiran.com/article/2336624>
77. <https://www.magiran.com/article/2695582>

78. <https://www.magiran.com/article/2800505>
79. <https://www.magiran.com/article/2882918>
80. <https://www.magiran.com/article/3085045>
81. <https://www.magiran.com/article/3186437>
82. <https://www.magiran.com/article/3488222>
83. <https://www.magiran.com/article/3532959>
84. <https://www.magiran.com/article/3744358>
85. <https://www.magiran.com/article/3900812>
86. <https://www.magiran.com/article/4015627>



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی